پروفیسور دکتور لعل زاد

لندن، نومبر ۲۰۲۲

نکته‌های در مورد فدرالیزم در کشور و حساسیت پشتون‌ها

==

🌻 بر مبنای اسناد و شواهد، **بدخشی** نخستین کسی در کشور است که واژه «فدرال» را در دست‌نبشته‌هایش در جوزای ۱۳۳۷ خورشیدی زیر عنوان‌های «آخرین چاره» و «البته موقت» به عنوان «مدینه فاضله من» یاد کرده است [شکل ۱ دیده شود]!

🌻 به نظر می‌رسد که به دلیل غلبه ایدیولوژی‌های سوسیالیستی/کمونیستی در کشور و ایجاد «جمعیت دموکراتیک خلق» در ۱۱ جدی ۱۳۴۳، دیگر هیچ ذکری از این واژه در اسناد و نشرات بعدی جراید خلق و پرچم وغیره در کشور دیده نمی‌شود.

🌻 **بدخشی** در حوزه‌های مخفی اوایل دهه ۱۳۵۰ (که من عضو آن بودم)، نکته‌های در مورد «فدرالیزم، به عنوان یکی از راه‌های حل مسئله ملی» بیان کرده بود [۱۰ و ۱۴]. اما در اسناد نشرشده توسط جناب **کوشانی** زیر نام نخستین «**طرح مرام**» که پس از کودتای سرطان ۵۲ نوشته شده»، در ماده ۶ آن آمده است: «ملیت‌های کشور... از نظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی... حق دارند تا سرحد جدایی خود مبارزه کنند... راه آزادی مبارزه ملیت‌ها تا سرحد جدایی و وحدت آزادانه این ملیت‌ها در **جمهوری دموکراتیک فدرال**». ماده ۱۵: «در قسمت حل مسئله ملی... ما طرفدار ایجاد **دولت دموکراتیک... به شکل جمهوری فدرال** هستیم که در آن خلق‌های ملیت‌های کشور مانند تاجیک، پشتون، هزاره، ترکمن و... در مرزهای ملی تاریخی خود، جمهوری‌های جزئ خود را با استفاده از حق تعیین سرنوشت بوجود آورند». ماده ۱۶: «این **جمهوری دموکراتیک انقلابی فدرال**» [۱۵]. قابل یادآوری است که به دلیل شرایط اختناق و اختفای سازمان، هرگز مسایل فدرالیزم، فدرال دموکراتیک و تفاوت آن‌ها در جلسات آموزشی مورد گفتگو قرار نگرفت و از سطح یک «طرح» پیشتر نرفت [حالا تصور می‌شود که این طرح بیشتر تیوریکی

و تحت تاثیر اندیشه‌های غالب آن زمان نوشته شده و هدف آن «فدرالیزم قومی» است؛ در حالیکه (به دلیل اختلاط قومی)، «مرزهای قومی» در کشور وجود ندارد]**!**

🌻 در نشریه‌های «میهن»، مربوط **سازمان انقلابی زحمتکشان افغانستان**، می‌خوانیم: شماره ۱، عقرب ۱۳۶۷، زیر عنوان «مرام نشراتی»: «در امر برابری کامل حقوق سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همه ملیت‌های کشور، همبستگی و دوستی برادرانه میان آنان... معتقدیم که... یکی از شرایط ضروری تامین این برابری و برادری **تشکیل دولت به‌گونه فدرالی** می‌باشد»**!** شماره ۲، قوس ۱۳۶۷، زیر عنوان «پیرامون طرح مساله ملی»: «ایجاد **ساختار دولتی بر پایه اصول فدرالی** با نظرداشت تقسیمات ملکی-سیاسی کشور بر اساس ویژگی‌های ملی-تاریخی»**!** و شماره ۸، جوزای ۱۳۶۸، زیر عنوان «مسئله ملی و مصالحه ملی»: «در کشور ما که عملا اکنون مجتمعی از خودمختاری‌ها بوجود آمده است، ایجاد **دولت فدرالی** بیان مشخص سیاسی آشتی ملی را تشکیل می‌دهد... **سیستم فدرالی دولت** در یک جامعه کثیرالملیت شیوه آزمون‌شده راه حل مساله ملی به شمار می‌رود» [۱۶]. در این دوران نیز هیچ‌گونه توضیحاتی در حوزه‌های آموزشی (که من یکی از آموزگاران بودم) یا کنفرانسی در مورد «محتوای فدرالیزم و چگونگی تطبیق آن در کشور» ارایه نشده بود**!**

🌻 گفتگوی شهید **مزاری** (عقرب/قوس ۱۳۷۲) و برداشت او در مورد «فدرالی» بسیار دلچسب‌تر از همه کسانی است که (حتی تا کنون) در مورد فدرالی «طرح و شعار» داده اند و یا آن را «توصیف» کرده اند. او می‌گوید که **حکومت مرکزی فدرالی** از توافق یا «اتحاد ولایات مستقل» ساخته می‌شود (دلیل آن را وجود ولایات مستقل در آن زمان می‌داند، اما می‌گوید که «فدرال جغرافیای و قومی»، هر دو در نظر گرفته شود و در نهایت، او «نظام فدرالی» را «مدینه فاضله» تصور می‌کند) [۱۷].

🌻 جناب **کشتمند** نیز در اپریل ۲۰۲۱ در مقاله‌ی زیر عنوان «فدرالیسم: پیرامون پرسمان صلح در افغانستان» که در کابل پریس به نشر رسیده است، افتخار پیشینه طرح

فدرالی را به جناح پرچم در ۱۳۵۲ حواله کرده است [۱۸]: «پیشینه پیکار سیاسی و اجتماعی با ویژگی اندیشه‌ی و نوشتاری برای فدرالی ساختن افغانستان در برابر نظام متمرکز ریاستی به دوران فرمان روایی محمد داود رئیس جمهور آن دوران، به سال ۱۳۵۲ خورشیدی بر می‌گردد... چنانکه حزب دموکراتیک خلق (پرچمی‌ها) پیش‌نویس یک قانون اساسی موازی دموکراتیک پارلمانی، با گزینش **دولت فدرال** را در برابر پیش‌نویس قانون اساسی متمرکز ریاستی به پیش کشید»! اما هیچگونه «سند/مدرکی» ارایه نکرده است (از این هم می‌گذریم که جناب کشتمند در زمان حاکمیت طولانی خود، چرا آن را باری یادآوری و یا عملی نکرد)!

🌻 اگر از «شعارهای» افراد فرصت‌طلب و بی‌خاصیت در مورد فدرالیزم (شکل ۲ دیده شود) و تبلیغات مخالفان، حاکمان و فاشیست‌ها بگذریم که از هیچگونه تبلیغ، تهمت و برچسب به طراحان فدرالیزم و پیروان آن‌ها (بنام تجزیه‌طلب، ضد پشتون وغیره) در بیش از ۵۰ گذشته دریغ نکردند، پس از ایجاد «کنگره ملی» و فعالیت‌های انتخاباتی جناب پدرام در کابل از سال‌های ۲۰۰۴، فدرالیزم به «شعار انتخاباتی» او و سپس با پیروزی در مجلس نمایندگان در ۲۰۱۰، به «بحث تبلیغاتی» او و هوادارانش در کشور تبدیل شد (اما همیشه از جانب مخالفانش با فحش و دشنام روبرو گشت و مردود دانسته شد)!

🌻 اگر چه پدرام ادعا دارد که حزب او مقالات و کنفرانس‌های زیادی در مورد فدرالیزم داشته، اما من تا کنون در مجموع سخنرانی‌ها و گفتارهای او یا در فضای مجازی، جز شعارهای تبلیغاتی (یگانه راه حل مشکلات قومی، سقوط فاشیزم!)، توصیف‌های عوام‌گرایانه (پیشرفته‌ترین کشورها و بزرگترین کشورها فدرالی اند!) و معلومات ویکیپیدیایی (تمرکززدایی)، هیچگونه «معلومات علمی»، به ویژه «چگونگی تطبیق آن در کشور» را ندیده‌ام (چند بار هم که این موضوعات را با او در میان گذاشتم [۱۰]، پاسخ این بود که ما «طرح» می‌دهیم، اما «تفصیل آن را باید دانشمندان تهیه و تدوین کنند». در همین راستا و بر اساس درخواست آن‌ها بود که نقشه پیشنهادی ایالات را در ۲۰۱۷ تهیه و برای‌شان ارسال کردم که با استقبال نشر کردند [۱۹]. اما همیشه تشویش خود را

در مورد «**غیرعملی‌بودن فدرالیزم**» و «**بدیل آن**»، به‌ویژه در شرایط داغ «سیاسی‌سازی قوم» و «قوم‌سازی سیاسی» یا «دیدن هر مسئله از عینک قومی» و «سرنوشت تاجیکان در جغرافیه پراگنده کشور» در مقالات و کنفرانس‌هایم ابراز کرده‌ام [۱-۱۳]. این تشویش‌ها پس از برافراشتن پرچم‌های «ترکستانی جنوبی» و «هزارستان» و روزگار تاجیکان در ولایاتی که حاکمیت تکقومی اوزبک‌ها و هزاره‌ها برقرار بود، بیشتر شد)!

🌻 در مقاله‌ی زیر عنوان «راه حل معقول بحران کشور: غیرمتمرکزسازی، فدرال‌سازی و یا تجزیه» در جنوری ۲۰۲۲ و کنفرانس‌های آن [۱۳]، نظرات خود را بر بنیاد آخرین اسناد و شواهد علمی بیان کردم تا موضوع «**نظام‌های سیاسی به جای موضع‌گیری‌های دشمنانه و شعارگونه به یک گفتمان علمی و عمومی تبدیل شود**»، نه اینکه به خاطر تبلیغات زهرآگین فاشیست‌ها یا قهر و غضب فدرالیست‌ها از اظهار بدیهیات علمی و تجارب جهانی پرهیز کنیم (به قول مهدی سهیلی):

خداجو با خداگو فرق دارد   حقیقت با هیاهو فرق دارد

+ + +

با گفتار فوق در باره «پیشینه‌ی طرح فدرال» در کشور، «**نکته‌های مهم**» زیر را خدمت دوستان ارایه می‌کنم که برخی از آن‌ها را در برگه‌های فیسبوک خود نیز نشر کرده‌ام:

🔴 دوستان باید بدانند که تمام کشورهای فدرالی در جهان بر اساس «تفاهم/توافق» روی یکی از این دو اصل: «۱. اتحاد ایالت‌های مستقل» یا «۲. ایجاد ایالت‌های قومی» بوجود آمده‌اند [در این مورد تا کنون استثنایی وجود ندارد. از این هم می‌گذریم که حدود دوسوم کشورهای فدرالی (از مجموع ۲۵ کشور)، «غیردموکراتیک» اند]!

🔴 بنا بر دو اصل فوق، فدرالیزم در کشور ما «غیرعملی» است (زیرا نه «ایالات مستقلی» وجود دارد که با هم یکجا شوند... و نه «ایالات قومی» که برای آن‌ها اختیارات

فدرالی داده شود تا هویت قومی/زبانی/فرهنگی خود را رشد و انکشاف دهند. چون همه اقوام تقریبا در همه ولایات/ایالات مخلوط اند)!

- در کشورهای که «مشکل قومی» وجود دارد، معمولا «فدرالیزم قومی» ایجاد می‌شود، نه «فدرالیزم جغرافیایی» (مانند سویس، پاکستان، هند وغیره)، تا هر قوم بتواند در ایالت خودش هویت قومی، زبانی و فرهنگی خودش را رشد و توسعه دهد و یکی در امور دیگری دخالت نکند (اما چنین «ولایات/ایالات قومی» در کشور ما وجود ندارد)!

- نظر دوستان «فدرالیست» این است که «فدرالیزم جغرافیایی» در کشور ایجاد شود تا «مشکلات قومی» را حل کند! و حتی «شعار» می‌دهند که «یگانه راه حل مشکلات قومی، فدرالیزم است». حالا پیشتر رفته و می‌گویند: «فدرالیزم یا تجزیه»! در حالیکه در یک کشور «چند قومی» که تقریبا همه اقوام مخلوط اند، فدرالیزم جغرافیایی (یعنی تقسیم کشور به حدود ۱۰ ایالت که در آن‌ها تقریبا همه اقوام زندگی دارند) در «عمل/واقعیت»، به معنای «انتقال مشکلات قومی از پایتخت» به «تمام ایالات/ولایات» است که باعث «تقابل و رویارویی بیشتر قومی» می‌شود (چون در شرایط کنونی، پدیده قوم، تضادهای قومی و قوم‌سازی نهایت داغ و سیاسی شده است)! تا وقتی مسئله حاکمیت/عدالت در پایتخت حل نشود، در ولایات/محلات حل نخواهد شد (باید سرچشمه را پاک کرد)!

- دلچسب اینکه دوستان زیادی «خیال» می‌کنند که «مشکل قومی» در کشور تنها در بین «پشتون‌ها (قوم حاکم) و «غیرپشتون‌ها» (اقوام محکوم) است (و گویا در بین غیرپشتون‌ها یا «اقوام محکوم» تاجیک و هزاره و اوزبک هیچ مشکل قومی وجود ندارد – در حالیکه «واقعیت عینی/عملی» در ۲۰ سال گذشته، چیز دیگری را نشان می‌دهد)!

- به گونه مثال، هنگامی که استاد عطا والی بلخ بود، اوزبک‌ها و هزاره‌ها و حتی پشتون‌ها از «حاکمیت تکقومی تاجیک‌ها» در بلخ می‌نالیدند. همین گونه، سرنوشت تاجیک‌ها در چند ولایات شمال که «حاکمیت تکقومی اوزبک‌ها» برقرار بود و یا در

بامیان/دایکندی که «حاکمیت تکقومی هزاره‌ها» برقرار بود، بدتر از «حاکمیت تکقومی پشتون‌ها» بود!

🔴 با کمال تاسف، تا وقتی که در یک جامعه، «مناسبات دموکراتیک» برقرار نشود (مانند قوانین عادلانه و ساختار غیرمتمرکز: توزیع افقی/عمودی قدرت، حاکمان انتخابی/پاسخگو، شهروندان برابرحقوق وغیره)، هر قومی که در «حاکمیت» مرکز و ایالت/ولایت قرار گیرد، هویت قومی/زبانی/فرهنگی خودش را تقویه می‌کند (یعنی تا وقتی که آب در سرچشمه گل‌آلود باشد، مانند ۲۰ سال گذشته، توقع عدالت در ولایات/محلات نادرست و حتی ناممکن است)!

🔴 در کشورهای چند قومی که «جنبش‌های تجزیه/استقلال‌طلب قومی» موجود باشد، فدرالیزم قومی «بهترین مُسَکِن» برای جلوگیری از تجزیه/استقلال‌خواهی آن اقوام است! اما اگر «تفاهم/توافق» صورت نگیرد (یا جامعه دموکراتیک نشود)، «خطوط مرزی ایالتی/قومی» بر بنیاد اصل «حق تعیین سرنوشت» ناگزیز منجر به تجزیه/استقلال می‌شود (اما در افغانستان تا کنون، نه چنین «خطوط مرزی قومی» وجود دارد و نه «قوم تجزیه/استقلال‌طلب»)!

🔴 بنابراین، افغانستان از نگاه جغرافیای قومی «قابل تجزیه» نیست، اما از نظر عملی کاملا «قابل فروپاشی» است (یعنی افغانستان نمی‌تواند تجزیه شود، اما می‌تواند فرو بپاشد)!

🔴 این‌که قدرت‌های بیرونی/خارجی بخواهند سرنوشت دیگری برای کشور ما رقم بزنند، حرف دیگری است؛ درست همان‌گونه که مردم ما در ایجاد کشور ما نیز هیچ‌گونه نقشی نداشتند (اما این امر در صورتی ممکن است که «جغرافیای منطقه در کل تغییر کند» که در «شرایط کنونی»، کمتر قابل تصور است). لیکن واقعیت تلخ این است: کسی که نتواند سرنوشتی برای خودش تعیین کند، ناگزیر دیگران برایش سرنوشت می‌سازند!

🔴 نکته دیگر، «فدرالیزم» شعار «اقلیت‌های قومی زیر ستم» در کشورهای چندقومی است (تا در جغرافیای کوچک قومی خود بتوانند هویت قومی، زبانی و فرهنگی خود را زنده نگه دارند)، نه «اکثریت‌های قومی که خواهان اقتدار و حاکمیت و برقراری عدالت» در کشور اند (در این مورد بیشتر فکر کنید: یک اقلیت اشغالگر از بیرون آمده و خانه‌ی شما را اشغال کرده است... اگر شهامت و غیرت دارید، خانه خود را «آزاد» سازید، نه اینکه آن را «تقسیم/تجزیه» کنید. درغیرآن، اگر «افغان‌توب» را بپذیرید، با کمال خورسندی به کرسی «معاونیت اول/دوم» می‌رسید)!

🔴 از اینکه چرا پشتون‌ها شدیدا مخالف فدرالیزم اند، دلایل عمده و اساسی آن، این‌ها است: اول، تا وقتی که «اقتدار» کشور در دست شان است، چرا آن را «تقسیم» کنند؟ دوم، آن‌ها می‌خواهند که زبان، فرهنگ و هویت خود را با «زور سرنیزه» بر سایر اقوام تحمیل کنند (در این صورت، به «حاکمیت مطلق بر تمام جغرافیای کشور» نیاز دارند)!

🔴 به همین دلایل، پشتون‌ها نه تنها با فدرالیزم، بلکه با هر گونه «نظام دموکراتیک» و «تقسیم عادلانه قدرت/ثروت» نیز مخالفت می‌کنند (چون در «اقلیت» قرار دارند و در «دموکراسی و انتخابات واقعی» می‌بازند، چه رسد به اینکه برنامه‌های برتری‌طلبانه و عظمت‌خواهانه قومی خود را عملی سازند)!

🔴 اما اگر پشتون‌ها روزی حاکمیت یا اقتدار مرکزی را از دست بدهند، شاید نخستین کسانی باشند که خواهان فدرالیزم (یک ایالت بزرگ افغانی/پشتونی در جنوب کشور) شوند تا بتوانند زبان و فرهنگ قبیلوی خود را در آن‌جا زنده نگه دارند (چون می‌دانند که درغیرآن، زبان و فرهنگ افغانی در مقابله با زبان و فرهنگ پارسی در یک «جامعه دموکراتیک» هیچ‌گونه دورنمایی ندارد، چه رسد به تحمیل هویت افغانی/پشتونی در کشور)!

+ + +

برای معلومات بیشتر در باره «نظام‌های سیاسی» و «راه حل معقول در کشور» به مقالات و کنفرانس‌های داده‌شده در «سرچشمه‌ها» مراجعه کنید که از ۲۰۱۱ بدین‌سو به نشر رسیده و در فضای مجازی قابل دسترس است (کافی است بالای «لینک» فشار دهید تا به اصل مقاله برسید)!

سرچشمه ها

۱. لعل زاد. راه حل مشکلات قومی در افغانستان: غیرمتمرکزسازی قدرت... ۲۰۱۱
http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=771

۲. لعل زاد. متن پیشنهاد روهرابکر... غیرمتمرکزسازی قدرت در افغانستان. ۲۰۱۱
http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=848

۳. لعل زاد. نظام غیرمتمرکز یا وثیقه کاهش بحرانات داخلی و... ۲۰۱۲
http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzad09.pdf

۴. لعل زاد. خودگردانی اداری، راهی به سوی ثبات و دموکراسی... ۲۰۱۳
http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=1978

۵. لعل زاد. انتخابات دموکراتیک و نظام غیرمتمرکز... ۲۰۱۳
http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzad10.pdf

۶. لعل زاد. نگاه گذرا به برنامه اجندای ملی و راه حل بحران سیاسی کشور. ۲۰۱۴
http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzad12.pdf
http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=2376

۷. لعل زاد. اهمیت برنامه و ساختار نظام سیاسی. ۲۰۱۴
http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=2434

۸. لعل زاد. چرا باید به تیم إصلاحات و همگرایی رای داد؟ ۲۰۱۴
http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=2406

۹. لعل زاد. معیارهای دموکراتیک بودن نظام‌های سیاسی (تحلیل تخنیکی). ۲۰۱۶
http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzad21.pdf

۱۰. لعل زاد. فدرال یا فدرالیزم؟ ۲۰۱۷

http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=3790

۱۱. لعل زاد. وضع موجود در کشور و راه‌های حل آن. ۲۰۱۷

http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzad31.pdf

https://www.youtube.com/watch?v=mW-hMih66Bg&t=253s

۱۲. لعل زاد. مشکلات دولت‌ملت/سازی در کشور و راه‌های حل آن. ۲۰۱۹

http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzad44.pdf

۱۳. لعل زاد. راه حل معقول بحران در کشور: غیرمتمرکزسازی، فدرال‌سازی... ۲۰۲۲

http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzad68.pdf

https://www.youtube.com/watch?v=KaTSm8HI_qY&t=1s

https://www.youtube.com/watch?v=okTCzFAqkC8&t=1s

۱۴. روند. تبصره کوتاه بر نوشته دکتر پدرام در باره زنده یاد بدخشی. ۲ نومبر ۲۰۱۹

https://www.facebook.com/profile/100004999564139/search/?q=%D8%A8%D8%AF%D8%AE%D8%B4%DB%8C%20%D9%88%20%D9%81%D8%AF%D8%B1%D8%A7%D9%84

۱۵. کوشانی: پاسخ به پرسش‌های دوست و ارایه نخستین «طرح مرام». ۲۰۱۷

https://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=3871

۱۶. میهن. نشریه مرکزی سازمان انقلابی زحمتکشان افغانستان. ۱۳۶۷-۷۰

http://afghandata.org:8080/xmlui/handle/123456789/21207

۱۷. سخنان ارزشمند عبدالعلی مزاری در باره نظام فدرال. ۲۰۲۰

https://www.youtube.com/watch?v=-kD2CWmmxLM

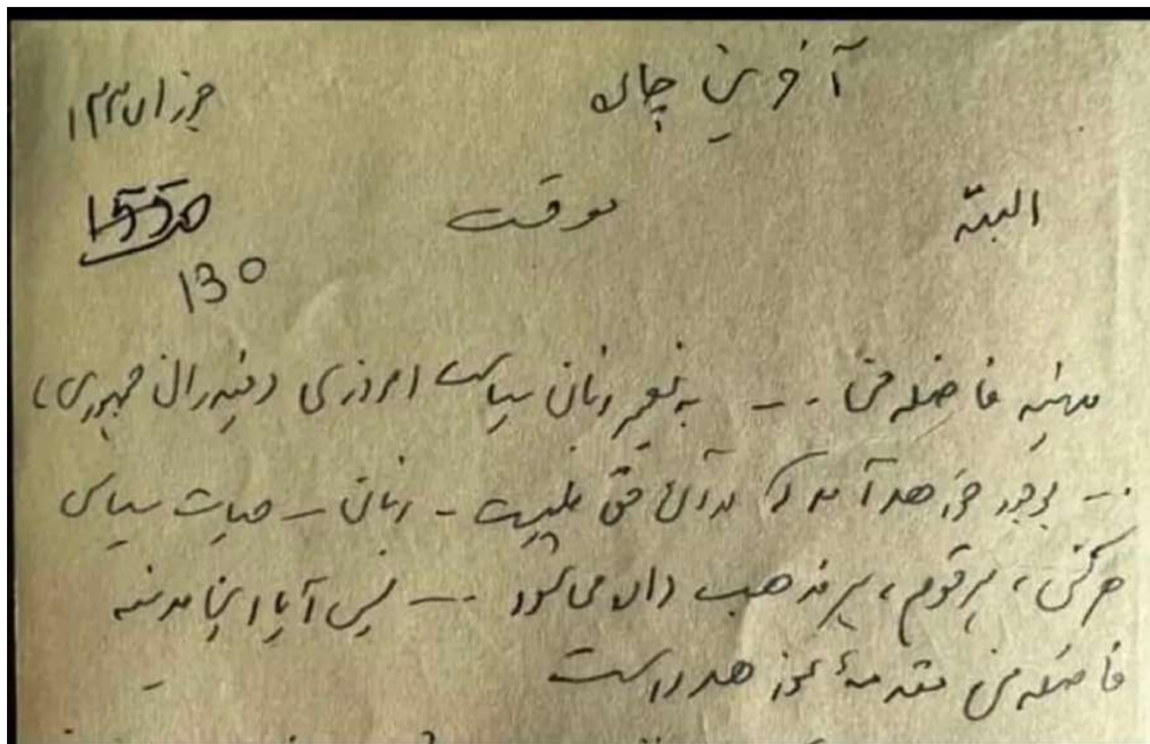
https://www.facebook.com/profile/1275126910/search/?q=%D9%81%D8%AF%D8%B1%D8%A7%D9%84%20%D9%88%20%D9%85%D8%B2%D8%A7%D8%B1%DB%8C

۱۸. کشتمند. فدرالیسم: پیرامون پرسمان صلح در افغانستان. ۲۰۲۱

https://www.kabulpress.org/article240860.html

۱۹. کنگره ملی. نقشه‌ی افغانستان فدرالی از دانشمند گرامی پروفیسور لعل زاد. ۲۵ جولای ۲۰۱۷

https://www.facebook.com/page/1542838982416139/search/?q=%D9%84%D8%B9%D9%84%20%D8%B2%D8%A7%D8%AF



شکل ۱. دست‌نبشته بدخشی در مورد فدرال، جوزای ۱۳۳۷

فدرال خواهان ۱۴۰۱ / ۲۰۲۲

واکنش سپنتا به بحث‌های تازه چهره‌های سیاسی افغانستان

«فدرالیسم و تمرکززدایی گسترده‌ترین بستر دموکراسی است»

BBC NEWS | فارسی

گلبدین حکمتیار:

فدرالی شدن افغانستان باید در شورای منتخب مردم در کابل مطرح شود

BBC NEWS | فارسی

افغانستان اینترنشنال

پیشنهاد خلیلی برای پایان بحران سیاسی در افغانستان:

نظام پارلمانی فدرال بهترین گزینه است

افغانستان اینترنشنال

سرور دانش "طرح قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان" را بازنشر کرد

فدرال‌خواه ۱۳۸۱ / ۲۰۰۲

راه نجات

PROPERTY OF ACKU

شماره یازدهم / دور دوم نشراتی ۱۳۸۱/۸/۸

داکتر عبدالله حکومت فدرالی پیشنهاد کرد

داکتر عبدالله وزیر خارجه دولت انتقالی اسلامی افغانستان طی مصاحبه‌ای با یکی از شبکه های تلویزیونی امریکا در سفری که به امریکا رفته بود بر سیستم فدرالی برای افغانستان تاکید نمود. وی در توضیح این مطلب گفت که مسئله اول تثبیت حکومت مرکزی در مرحله انتقالی در تمام نقاط افغانستان است، مردم افغانستان این سوال را دارند که یک دولت مرکزی در تمام کشور به مقامات محلی تا چه حد صلاحیت داده می شود؟ و رابطه مقامات محلی مناطق مختلف با حکومت مرکزی به چه ترتیب خواهد بود که مربوط می شود به قانون اساسی آینده افغانستان که باید در آن پیش بینی گردد. وی ادامه داد: شخصا نظر من اینست که اگر به مناطق مختلف افغانستان صلاحیت ها قسمی داده شود که در یک نظام فدرالی مد نظر گرفته میشود شاید این سبب ثبات و پیشرفت مناطق و بهبود افغانستان بصورت کل بوده باشد، اما این مسایلی است که باید در قانون اساسی افغانستان رویش بحث شود و پیش بینی شود»

شکل ۲. نمونه‌های جالب فدرال‌خواهان (۲۰۰۲ و ۲۰۲۲)!